



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۹ مهر ۱۳۹۰

مصادف با: ۱۳ ذی القعدة ۱۴۳۲

جلسه: ۱۲

موضوع کلی: جمع بین حکم ظاهری و حکم واقعی

موضوع جزئی: راه حل محقق عراقی برای محذور نقض غرض

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم محقق عراقی در مورد محذور نقض غرض، با یک بیان مفصل و مبسوط راه حلی را ذکر کرده‌اند، البته اشاره کردیم که کلام ایشان صرفاً در خصوص نقض غرض نیست، ایشان به محاذیر سه‌گانه؛ یعنی اجتماع مثلین یا ضدین، تفویت مصلحت و نقض غرض به عنوان محاذیر تعبد به ظن اشاره کردند و بر مبنای مقدماتی راه حلی را برای این محاذیر ارائه دادند و در ذیل بیانات خود به بررسی انظار و آراء اعلام و بزرگانی مثل مرحوم آخوند، محقق نائینی هم پرداخته‌اند، ما کلام ایشان را با تکیه بر آنچه که در مورد نقض غرض و برای رفع این محذور فرموده‌اند نقل می‌کنیم، خلاصه فرمایش ایشان این شد که به طور کلی در دو مورد شبهه نقض غرض پیش خواهد آمد؛ یکی در فرض انفتاح بنا بر موضوعیت که البته این محذور به اضافه سایر محاذیر در این فرض مطرح است، همچنین در فرض انفتاح بنا بر طریقت شبهه نقض غرض پیش خواهد آمد البته در کنار آن، شبهه تفویت مصلحت هم مطرح می‌شود ولی بنا بر طریقت و موضوعیت در حال انسداد شبهه نقض غرض پیش نخواهد آمد. ما اشکال محقق عراقی به محقق نائینی را عرض کردیم و اکنون راه حل محقق عراقی را ذکر می‌کنیم.

بخش سوم: راه حل محقق عراقی برای محذور نقض غرض

ایشان ابتداءً چهار مقدمه ذکر می‌کنند که ما فقط مقدمه سوم و چهارم را عرض می‌کنیم و بعد با استفاده از این دو مقدمه راه حل ایشان را برای رفع محذور نقض غرض بیان خواهیم کرد.

مقدمه سوم: در مقدمه سوم ایشان می‌گویند اگر اراده تشریحیه مولی به چیزی متعلق شود تحقق این مراد در خارج نیازمند مقدماتی است، فرض کنید اراده تشریحیه خداوند به نماز جمعه تعلق گرفته و می‌خواهد نماز جمعه به عنوان فعلی که دارای مصلحت است در خارج تحقق پیدا کند، اولین کاری که مولی برای تحقق این مراد باید بکند و به عنوان مقدمه اختیاری تحقق مرادش لازم است صورت بگیرد این است که مراد خود را به صورت خطاب به مردم اعلام کند، اراده خداوند تا زمانی که با خطاب به مردم ابراز نشود کمکی به تحقق مراد او نمی‌کند و صرف اینکه شارع اراده کند نماز جمعه خوانده شود برای تحقق مرادش کفایت نمی‌کند بلکه باید مرادش را با خطاب به مردم ابراز کند و بگوید: «ایها الناس اذا نُودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله» مولی باید این خطاب را که موجب علم مأمور به اراده آمر می‌شود داشته باشد،

این یک مقدمه اختیاری است که باید از ناحیه مولی و شارع تحقق پیدا کند و آن اراده باید در قالب خطاب ابراز شود تا زمینه‌های تحقق مراد شارع در خارج فراهم شود و اگر بخواهد این اراده را ابراز کند، طبیعتاً اراده‌ای که به خود متعلق؛ یعنی خود صلوة جمعه تعلق گرفته به تنهایی کافی نیست؛ یعنی صرف اینکه شارع نماز جمعه را اراده کند برای خطاب کفایت نمی‌کند بلکه باید یک اراده دیگری هم داشته باشد و آن اراده به ابراز اراده است؛ یعنی اول اراده تشریحیه مولی به تحقق نماز جمعه تعلق می‌گیرد ولی این به تنهایی برای تحقق مراد کافی نیست بلکه مولی باید این اراده را با خطاب ابراز کند که خود این خطاب و ابراز اراده، اراده دیگری غیر از اراده به تحقق صلوة (اراده تشریحیه) را می‌طلبد که ما از آن به اراده ابراز اراده تعبیر می‌کنیم؛ یعنی صرف اراده به صلوة جمعه برای تحقق مراد شارع کفایت نمی‌کند چون تحقق مراد شارع احتیاج به مقدماتی دارد که یک مقدمه ابراز اراده از ناحیه شارع است و این نیازمند اراده ابراز اراده است چون خطاب، مقدمه تحقق مراد شارع است، پس یک اراده‌ای وجود دارد و این اراده مقدماتی لازم دارد از جمله خطاب، این مقدمه و این خطاب در طول اراده تشریحیه خداوند است؛ یعنی اول باید اراده تشریحیه باشد بعد در طول این اراده تشریحیه سخن از خطاب و ابراز آن اراده تشریحیه پیش می‌آید، پس اراده به صلوة جمعه برای ابراز این اراده و خطاب کفایت نمی‌کند بلکه یک اراده دیگری را می‌طلبد که در طول اراده اولی است.

البته بعضی از مقدمات تحقق مراد شارع این خصوصیت را ندارند؛ یعنی برای تحقق، نیازی به اراده مستقلی غیر از ابراز اراده ندارند مثلاً کسی که روز جمعه می‌خواهد نماز جمعه بخواند باید از منزل تا محل نماز جمعه طی طریق کند، این هم یک مقدمه است، البته مقدمه‌ای که به مکلف مربوط است. ولی آیا شارع باید یک اراده‌ای هم به رفتن مکلف به محل نماز جمعه کند؛ یعنی یک بار بگوید نماز جمعه واجب است و مرتبه دیگر بگوید واجب است از منزل تا محل نماز جمعه بروید؟ قطعاً این اراده دوم لازم نیست و همان اراده‌ای که به ذی المقدمه؛ یعنی به نماز جمعه تعلق گرفته کفایت می‌کند.

به عبارت دیگر مقدمات اراده تشریحیه بر دو قسم هستند: یک قسم از مقدمات با قطع نظر از تعلق اراده مقدماتی دارند مثل طی طریق نسبت به نماز جمعه، اما بعضی از مقدمات در طول تعلق اراده و در طول خطاب به آن شیء است، بعضی از مقدماتی که در طول تعلق اراده و در طول خطاب است به مولی مربوط است و بعضی دیگر به مکلف مربوط می‌شود، پس بعضی از مقدمات در طول تعلق اراده است و بعضی در طول تعلق اراده نیست لذا در قسم اول نفس تعلق اراده به آن شیء کافی است تا اراده به مقدمه آن هم تعلق بگیرد و اراده مستقل و خطاب مستقل نمی‌خواهد اما مقدماتی که در طول تعلق اراده به متعلق قرار دارند مثل ابراز اراده نیاز دارد که اراده مستقلی به آن متعلق شود. در قسم دوم که در طول تعلق اراده است اراده اول کافی نیست؛ یعنی اراده به نماز جمعه به تنهایی نمی‌تواند منشأ ابراز اراده شود بلکه یک اراده دیگری باید فرض شود که آن اراده، منشأ خطاب و ابراز اراده باشد پس یک اراده مستقلی می‌خواهد، اول اراده می‌کند که نماز جمعه محقق شود بعد اراده می‌کند که باید این اراده به تحقق نماز جمعه به مردم هم ابراز شود پس اراده‌ی خطاب و ابراز اراده می‌کند. پس کلام محقق عراقی در مقدمه سوم این است که ما دو اراده داریم: تارةً اراده تشریحیه به تحقق چیزی در خارج،

محتاج مقدمات اختیاریه‌ای از ناحیه آمر هست مثل خطاب، تا این خطاب موجب علم به اراده آمر شود و محرک عبد باشد و در نتیجه به تحقق مراد او کمک کند و اگر هم مأمور نسبت به خطاب اول جهل داشته باشد باید یک خطاب دیگری در طول این خطاب از ناحیه آمر وجود داشته باشد، بهر حال این اراده به تنهایی برای آن مقدمات کافی نیست، یک اراده به ذی المقدمه و چون مقدماتی هستند که در طول این اراده شکل می‌گیرند یک اراده ثانویه هم باید نسبت به آن مقدمات باشد؛ مثلاً اراده اولی به خود نماز جمعه تعلق گرفته و اراده دومی که بعد از تحقق اراده اول پیدا می‌شود نسبت به مقدماتی مثل ابراز اراده است؛ یعنی شارع اول باید نماز جمعه را اراده کند و بعد یک اراده مستقلی کند که وجوب نماز جمعه را باید برای مردم بیان کند اما بعضی مقدمات این گونه نیستند.

مقدمه چهارم: محقق عراقی در مقدمه چهارم می‌فرماید: مراتب اهتمام شارع و مولی به حفظ مراد نسبت به مقدمات متأخره مربوط به آمر به حسب اهمیت اختلاف مصالح واقعیه مختلف است، ایشان می‌فرماید گاهی مصلحت یک شیء به حدی اهمیت دارد که اقتضاء می‌کند مولی آن را در همه مراتب متأخره حفظ کند و گاهی به این درجه اهمیت نیست و فقط حفظ وجود آن از قبل خطاب اول اهمیت دارد، گاهی اراده مولی به نماز جمعه تعلق می‌گیرد و مراد مولی تحقق نماز جمعه است و آنچه که متعلق اراده تشریحیه خداوند قرار می‌گیرد گاهی خیلی اهمیت دارد و بعضی اوقات خیلی اهمیت ندارد، اگر خیلی اهمیت داشته باشد شارع می‌خواهد این اراده را به هر نحوی ابراز کند بر این اساس اراده ابراز اراده را می‌کند و تصمیم می‌گیرد اراده‌اش را ابراز کند چون اصل مراد برای شارع از اهمیت زیادی برخوردار است؛ مثل بقاء شریعت یا حفظ دماء مسلمین که برای شارع خیلی مهم است و چون اصل مراد برای شارع خیلی مهم است می‌گوید به هر قیمتی که هست این اراده را باید ابراز کنم و به گوش مردم برسانم که خواسته‌ام چیست و این خواسته خیلی برای من مهم است لذا ابراز اراده‌اش را اراده می‌کند و این اراده را با هر خطابی که ممکن باشد اعم از ظاهری یا واقعی می‌خواهد حفظ کند، اول با خطاب واقعی و حکم واقعی اراده می‌کند که نسبت به دم و آبرو و مال مسلمین مراقب باشید بعد از هر وسیله‌ای مثل حکم ظاهری استفاده می‌کند که این خطاب را به مردم برساند. پس گاهی آن قدر مراد برای شارع اهمیت دارد که به خطاب واقعی اکتفاء نمی‌کند و به خودش اجازه نمی‌دهد که مکلف را در جهل خودش رها کند بلکه می‌خواهد این اراده را به هر وسیله‌ای حفظ کند اما گاهی مراد خیلی برای او مهم نیست و به خطاب واقعی اکتفاء می‌کند و اگر جهل مکلف هم برطرف نشد مهم نیست، شارع می‌گوید اگر خطاب واقعی به مکلف رسید که واقع را درک کرده و اگر هم خطاب واقعی به او واصل نشد مهم نیست و مولی ضرورتی نمی‌بیند که اراده اولیه خودش را به هر نحو ولو با یک خطاب ظاهری ابراز کند بلکه مولی سکوت می‌کند و می‌گوید مکلفین می‌توانند به کمک عقل خود آن را بفهمند. محقق عراقی این مطلب را به حسب مقام ثبوت می‌فرماید و راجع به مقام اثبات هم مطالبی دارند که برای پرهیز از اطاله کلام از بیان آن خودداری می‌کنیم. در این مقام ما به ذکر مقدمه سوم و چهارم از مقدمات چهارگانه‌ای که ایشان ذکر کرده‌اند اکتفاء کردیم.

نتیجه: محقق عراقی بعد از ذکر این دو مقدمه می‌خواهد محذور نقض غرض را برطرف کند، محذور این بود که خداوند متعال از جعل حکم واقعی غرضی دارد که عبارت است از انبعاث و انزجار مکلفین، حال اگر خداوند مکلفین را متعبد به امارات ظنیه کند و امارات و ظنون را برای مردم حجت قرار دهد؛ یعنی جلو باعثیت و زاجریت که غرض از جعل حکم واقعی است را گرفته است پس جعل حکم ظاهری مستلزم نقض غرض از حکم واقعی است، محقق عراقی می‌خواهند با دو مقدمه‌ای که فرمودند این محذور را برطرف کنند، ایشان می‌فرماید: اگر ما احراز کنیم که مصلحت مورد نظر شارع آن قدر مهم است که شارع علی‌الاطلاق و به هر قیمتی می‌خواهد این مصلحت را حفظ کند، حق این است که در این صورت مشکل نقض غرض پیش خواهد آمد و ما راهی برای دفع این محذور نداریم؛ یعنی محذور نقض غرض در صورتی وارد است که ما یقین کنیم شارع از حکم واقعی غرضی را در نظر گرفته که در هر حال باید آن غرض حفظ شود، در این صورت شبهه وارد است و جعل حکم ظاهری مستلزم نقض غرض حکم واقعی می‌شود، اما اگر ما احراز نکنیم که مصلحت و غرض مورد نظر شارع آن قدر مهم است که شارع به هر نحوی بخواهد آن را حفظ کند این شبهه وارد نیست و واقعاً هم نمی‌توانیم آن را احراز کنیم و راهی برای احراز مصلحتی با این درجه از اهمیت وجود ندارد برای اینکه راه و طریق به سوی مصالح واقعیه خود خطابات واقعیه است و ما به این خطابات واقعیه دسترسی نداریم، وقتی به خطابات واقعیه دسترسی نداریم آنچه که خطابات واقعیه برای ما به نحو قطعی اقتضاء می‌کند فعلیت غرض مولی است. هر خطابی اقتضاء می‌کند که مراد از ناحیه همان خطاب حفظ شود حال اگر خطابی وارد شد که «اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله»؛ آنچه این خطاب اقتضاء می‌کند این است که مراد از ناحیه همین خطاب حفظ شود ولو اینکه به مکلف هم واصل نشود اما زائد بر این مقدار را نمی‌توانیم از خطاب استفاده کنیم چون اطلاق خطاب چنین چیزی را نمی‌رساند حال اگر مولی در مراتب متأخره از خطاب به نوعی عمل کند که مراد او تفویض شود؛ مثلاً سکوت کند یا حتی انشاء بر خلاف کند مشکلی ایجاد نمی‌کند چون نقض غرض او لازم نمی‌آید و حتی می‌فرماید اگر مکلف تمکن از فحص هم داشته باشد و فحص نکند مشکلی پیش نمی‌آید، پس هیچ نقض غرضی صورت نگرفته است برای اینکه ما یک حکم ظاهری داریم و یک حکم واقعی، یک اراده‌ای از طرف شارع به این حکم واقعی تعلق گرفته است و این اراده باید ابراز شود، اراده اول در این موارد آن قدر اهمیت ندارد که باید در همه مراتب حفظ شود لذا اگر یک حکم ظاهری بر خلاف آن بیاید ناقض این اراده اول نیست چون اراده اول محرک به سوی ابراز ندارد تا این ابراز و خطاب، ناقض آن باشد، اراده دوم هم نقض نشده چون مرتبه آن از اول همین مقدار بوده که فقط خطاب واقعی ابراز شود پس هیچ کدام از این دو اراده نقض نشده و هیچ نقض غرضی صورت نگرفته است.

بحث جلسه آینده: بررسی راه حل محقق عراقی و ذکر راه حل مختار بحث جلسه آینده خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمین»